

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

امر به اطاعت امام، امر به اقامه وی است

(ترجمه)

از عبد الله بن عمرو بن عاص رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود:

«مَنْ بَايَعَ إِمَامًا فَأَعْطَاهُ صَفْقَةً يَدِهِ وَثَمَرَةَ قَلْبِهِ، فَلْيُطِئْهُ إِنْ اسْتَطَاعَ، فَإِنْ جَاءَ آخَرَ يُبَايِعُهُ فَاصْرِبُوا عُنُقَ الْآخِرِ»

(رواه مسلم كتاب الامارة باب وجوب الوفاء ببيعة الخلفاء)

ترجمه: هر که با خلیفه مسلمین دست داده، به رضا و رغبت با وی بیعت کرد، باید تا حد توانش از او اطاعت کند، و اگر شخص دیگری آمد و در امر خلافت با وی منازعه کرد، گردن دومی را بزنید.

توضیح حدیث

این حدیث دو مطلب مهم را به طور جدی بیان کرده است: نخست بیعت با خلیفه مسلمین و دوم اطاعت از خلیفه مسلمین، که اطاعت نیز مرتبط به بیعت می‌باشد؛ یعنی زمانی از حاکم اطاعت جایز است که در بین او و بین مردم حتماً بیعت شرعی صورت گرفته باشد و بیعت شرعی آنست که برای حکم به کتاب الله و سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم باشد. بنابر آن چه گفتیم، بالای حکام امروزی مسلمانان حدیث شنیدن و اطاعت کردن هرگز صدق نمی‌کند، پس این حکام اهلیت بیعت شرعی را ندارند؛ به دلیل این که:

1- به کتاب الله و سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم حکم کرده نمی‌توانند، یعنی صلاحیت و توانایی آن را ندارند، چون به اختیار خود نیستند و از طرف کفار برای‌شان اجازه داده نمی‌شود.

2- برعکس قوانین غربی (ساخته دست بشر) را بالای امت اسلامی تحمیل و تطبیق می‌نمایند، حتی قوانین غربی را به مردم اسلامی معرفی می‌کنند، غالباً به غرض این که در قدرت موجوده باقی بمانند.

ای مسلمانان! بدون شک امر به اطاعت امام یا خلیفه مسلمین امر به قیام و ثبات آن می‌باشد، زیرا الله سبحانه و تعالی ما را به فرمان برداری کسی که وجود نداشته باشد، امر نمی‌کند. هم‌چنان جنگ با کسی که با امام نزاع می‌کند، دلالت بر دوام موجودیت آن می‌نماید و آن چه را ما از حکام غیر شرعی و نبودن حاکم شرعی می‌بینیم، بر ما لازم است تا با همه توان و قدرت دست‌داشته خود را در ایجاد حاکم شرعی بکوشیم؛ زیرا حکام امروزی ما همه حاکمان زمان جبریه هستند که آن‌ها را رسول الله صلی الله علیه وسلم مذمت نموده است؛ البته آن‌ها کسانی هستند که غرب کافر ایشان را گماشته است تا به نفع کفار احکام آن‌ها را بالای امت تطبیق نمایند. بناءً بر امت لازم است تا در خلع نمودن قدرت و سلطه از آن‌ها سعی و تلاش نمایند و دستورات جدایی دین از سیاست آن‌ها را حریق نموده و محدودیت‌های غیر واقعی که قانون سایکس پیکو برای اولاد این امت واحد بجا گذاشته است، دور نمایند تا این که امت همان سلطه و قدرت واحد خود را دریافت نموده و بالایش خلیفه واحد حکمرانی نماید.

یا الله! ما را با آمدن خلافت راشد بر منہاج نبوت که در آن وحدت مسلمانان نهفته باشد، مستفید بگردان و از آن‌ها مصایب و بلاها را دور نما! یا الله زمین را به نور و جه کریمت منور گردان! اللهم آمین آمین!

خلاصه: امر به طاعت امام یا خلیفه مسلمین در حقیقت امر به نصب و اقامه وی است و امر به جنگیدن در مقابل کسی که با امام منازعه کند، قرینه است، بر جزم در حفظ وی به حیث خلیفه واحد.